پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹، صص ۲۷ – ۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۱

سازه های متعارض دیاسپورا در کشورهای مبداء و مقصد

محمد رضا حاتمی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸

چکیده

مهاجرین و جوامع دیاسپورا به مثابه کارگزاران استراتژیک ، در سیاستهای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ، نقش مهمی را در سیاستگذاریهای اقتصادی و اجتماعی، ایفاء می نمایند. تمامی مکاتب اقتصادی و سیاسی نیز بر تاثیر دوگانه مثبت و یا منفی مهاجرت و دیاسپورا بر اقتصاد و امنیت کشور مبداء و مقصد، اجماع داشته و بنابراین مکاتب اقتصاد سیاسی در سالیان گذشته تحلیلهای متفاوت و بعضاً متعارضی در در این خصوص داشته اند. از سوئی مفاهیمی مانند دیاسپورا و یا جوامع دیاسپوریک در طول مفهوم مهاجرت نیز، مورد توجه سیاستگذاران امنیتی قرار گرفته است که مهاجرین را از منظر تهدید / فرصت، تحلیل نموده‌اند. فرضیه این مقاله بدین گونه بیان می گردد که حضور مهاجرین خارجی در کشورها دارای تبعات ایجابی و سلبی در حوزه امنیتی و اقتصادی می باشد و سیاستگذاری دیاسپورا در این زمینه می تواند، موجد مزایای فراوانی در عرصه های مختلف گردد ، چرا که جامعه مهاجر به عنوان یک کارگزار توسعه در سطوح ملی/فروملی و زیر ملی، شبکه سازان صلح برای جامعه میزبان (home land) در جامعه مهمان (host land)، ارتقای نیروی کار ارزان و فعال در جامعه مقصد و البته موجد تعارضات در جوامع مهمان گردند. از ادبیات راهبردی بسیاری از نظریه ها و دستورکارهای سیاستی کشورهای توسعه یافته دنیا می توان عنوان نمود که نحله‌های مختلف سیاستگذاری در خصوص مهاجرین که در پیوند با رشد تجارت و اقتصاد کشور مبداء / مقصد باشند یکی از شقوق ، همانند سازی، جداسازی، همگرائی و حاشیه‌ای نمودن است و هیچ تصویری به غیر از این موارد برای کشورهای مهاجر پذیر متصور نیست. با این وصف تحقیق پیش رو با استعانت از منابع فراوان کتابخانه ای ، میدانی و رصد سیاستگذاری مهاجرت کشورهای توسعه یافته به شیوه ای تحلیلی توصیفی به مزایا و معایب جوامع دیاسپوریک در کشور مبداء و مقصد پرداخته و طبعاً یا تبارشناسی جدیدی از مفهوم دیاسپورا به تبعات و کارکرد این نحله جامعه شناختی و آثار آن در جامعه مهمان می‌پردازد. مالاً، آنچه که مشخص است و وجه برجسته تحقیق حاضر می باشد این موضوع است که مهاجرت مهاجرین درهر نوع خود، ژانوس وار و در بگیرنده عناصر تهدید/ فرصت زا برای حوزه های اقتصادی / اجتماعی در جوامع مقصد (host land) می باشد.

واژه‌های کلیدی: دیاسپورا، جوامع مقصد و مبداء، سازه های متعارض مهاجرین، فرصت‌ها و تهدیدهای جوامع دیاسپوریک

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. hatami5@yahoo.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

مقدمه

مهاجرت را نمی توان به یک مفهوم رایج تقلیل داد و طبعاً، تبارشناسی انواع مهاجرت، می تواند سندروم امنیتی ناشی از این مفهوم را برای جوامع مهمان کاهش دهد. نکته مهم در این تحقیق ، تفکیک مهاجرت با مفهوم دیاسپورا است ، چرا که دیاسپورا مفهومی سیاسی تر از مهاجرت می باشد و از سوئی ، مفصل بندی انواع دیاسپورا به خوبی تدقیق و مهاجرت را که به طور سنتی همیشه یک کد ناامنی برای جوامع مهمان بوده را حداقل تبدیل به صور مناسبی از فرصتهای اقتصادی و امنیتی خواهد نمود. به طور مثال با توجه به افتراق قومی و مذهبی مهاجرین و مشخصاً جامعه افغان در ایران ، این پژوهش بر موضوع شبکه سازی صلح برای جامعه مبداء (home land) در جامعه مقصد (host land)، تاکید زیادی خواهد نمود ، یعنی قومیتهای مختلف افغان در ایران و در راستای تمرین صلح ، درجه بالایی از همانند سازی در (host land) برای آنها اتفاق می افتد. به طور مثال،تعداد مهاجرین افغان که اکثراً دیاسپورای کار را تشکیل می دهند یکی از دغدغه های امنیتی ایران در دهه های اخیر بوده است. گرچه متولیان امر همیشه اصرار بر خروج ده ها هزارنفری مهاجرین از کشور در هر سال می باشند ولی به علت ناامنی روزافزون در افغانستان و رضایت حداقلی مهاجرین ، بعید است مهاجرینی که به نوعی در ایران ولو به صورت غیر قانونی اسکان یافته اند ، تمایلی به خروج از کشور را داشته باشند. بنابراین این موضوع ژانوس وار ، چهره تهدید/ فرصتی برای سیاست ها به دنبال خواهد داشت. بنابراین و به مانند بسیاری از کشورهای مهاجرپذیر در دنیا که مهاجرت و دیاسپورا را ، مهندسی می نمایند ، نیاز به خطی مشی گذاری مطلوب در خصوص بحران مهاجرین افغان در کشور ضرورتی ، انکار ناپذیر است . در مثال دیگر می توان عنوان نمود ، مهاجرین ایرانی در هر جنبه خود (کار ، تجاری ، علمی و سیاسی) نقطه قوتی برای جوامع غربی هستند و این کشورها استفاده حداکثری را از جامعه دیاسپوریک می نمایند. ولی این موضوع برای ج.ا.ا ، بسیار مبهم است و تقریباً می توان گفت جملگی مهاجرین افغان با کیفیت حال حاضر ، کمترین خروجی مالی ، اقتصادی و سیاسی را دارند. مهاجرین افغان به ایران به طور غالب دیاسپورای کار می باشند از . از سوئی فقر مهارتی جامعه مهاجر افغان در ایران ، سیاستگذاری شهری و اقتصادی را از یکی از عناصر کاراً جهت بالندگی تهی نموده است

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

. بنابراین می توان فقر ذهنی و عملی و مولد نمودن مهاجرین را بزرگترین آسیب دانست که بر هر دو مولفه مهاجرین و حکمرانی ، تاثیر مخرب دارد که راه برون رفت از این وضعیت آموزش و آموزش های مهارتی به جامعه مهاجرین است.در این راستا باید عنوان نمود که بر پایه نظریه همگرائی، نیازهای فنی جوامع به یکدیگر ، بستری مناسب را برای همگرائی منطقه ای ایجاد می نماید. مساعی مشترک در حوزه های فنی ، زمینه را برای مساعی مشترک در زمینه های دیگر فراهم می نماید . بنابراین اگر منافع مشترک فنی - اقتصادی بین جوامع منطقه ای با تاکید بر آموزشهای مهارتی وجود داشته باشد آنگاه زمینه همکاری مشترک در سایر حیطه‌ها ، میان همین جوامع ایجاد و تسری پیدا خواهد کرد. در این رابطه می توان به موسسه همکاریهای توسعه ژاپن اشاره کرد که نقش دیپلماسی سیاست خارجی ژاپن را در قالب دیپلماسی آموزشی ایفاء می‌نماید . فراموش نکنیم که حوزه امنیتی از بخش خدمتگذاری نظامی به حوزه رقابتی اقتصادی - فنی هم تسری پیدا کرده است و به یمن همین یافته هاست که ادعا می شود که قدرت نظامی غالب است ولی رایج و نافذ نیست . قدرت اقتصادی - فنی ، رایج است ولی غالب نیست و قدرت آموزشی - فرهنگی نافذ است ولی غالب نیست . بنابراین یک شیفت الگوئی و پارادایمی به سوی دیپلماسی آموزشی در جذب مهاجرین و رویکردهای برون مرزی کشورها دیده می شود.(سیف زاده ، ۱۳۷۸). همانطور که اشاره گردید ، مقاله مذکور بدون ورود در یک مورد مشخص و به دلیل فقر ادبیات تحقیق در خصوص فرضیه تحقیق ، درصدد بازشناسی و تبارشناسی از مفهومی است که مغفول واقع شده و می تواند سیاستگذاری مهاجرت را در کشور ، بهینه و از ظرفیتهای جامعه دیاسپورا استفاده حداکثری کند و مخاطرات ناشی از مهاجرت را تقلیل دهد. به طوریکه می توان در این راستا اهداف عمده نظری این تحقیق را بذل توجه به جنبه های مثبت مهاجرین، تفکیک بین انواع مهاجرین و توجه حداکثری به دیاسپورای نخبگی ، لزوم توجه بیشتر سیاستگذاری شهری به پدیده مهارتی نمودن جامعه مهاجرین و اتباع و غیر امنیتی نمودن پدیده مهاجرین و اتباع دانست.

پیشینه‌ای بر پژوهش:

-گزارشی با عنوان مدیریت پناهندگان و بحران مهاجرین ، نقش حکومتها ، بخش خصوصی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

و تکنولوژی برای آن توسط مرکز بحران جهانی و در فوریه ۲۰۱۶ توسط فیلیپو گراندی در سازمان ملل به رشته تحریر در آمده است . در این گزارش علاوه بر مواردی مانند همکاریهای بین المللی در خصوص حل مشکل پناهندگان و تمیز بین مهاجرین اقتصادی و پناهجویان نخبه به چالشهای سیاسی و فرصت های سیاسی مهاجرین پرداخته می شود . چرا که مهاجرین طیف وسیعی از فرصت ها و چالش ها را برای تمامی حوزه های ، بالاخص حوزه های تجاری فراهم می آورند . این گزارش همچنین در خصوص عرضه/ تقاضای نیروی کار نیز مهاجرین را برای بازار کار جهانی ، دارای اصالتی خاص می داند. و در این خصوص این گزارش پیوند بین بخش خصوصی و سیاستهای دولتی را مهم می داند.

-مقاله " سازمانهای دیاسپورا به مثابه کارگزاران استراتژیک " توسعه:توسط آژانس توسعه و همکاریها توسط وزارت خارجه آلمان به رشته تحریر درآمده است و بر نقش افراد در آموزش و لابی نمودن جوامع دیاسپورا تاکید دارد.

-مقاله " دیاسپورا و تعارضات وارداتی" که توسط "باهار باسر" در سال ۲۰۱۳ به رشته تحریر در آمده ، بر بسیج سیاسی معطوف به ارتقا هویتی کشور زادگاه در دیاسپورای کرد و ترک در کشور سوئد اشاره دارد . در این مقاله زمینه های تشکیل دیاسپورا ، کشور میهمان به عنوان سرزمین فرصت ها برای دیاسپورای کرد ، مواجهه نسل اول و دوم ترکها با کردها ، بسیج سیاسی و ساختار فرصت ها برای کشور مادری و پارادیم همانند سازی مقاومت در دیاسپورا پرداخته می شود.

- سید فضل الله موسوی و فرشته مسلمی بیدهندی در سال ۱۳۹۱ تحقیقی تحت عنوان (در پرتو حقوق بین الملل" را به روش کیفی انجام داده اند که به بررسی مهاجرتهای غیرقانونی از مسیر دریا و جلوگیری از قاچاق مهاجران، تمهیدات ملی و بین المللی در زمینه مهاجرت غیر قانونی پرداخته و اقدامات و راهکارهای ملی و بین المللی برای حل این مشکلات ارائه نموده است.

- سعید عیسی زاده و جهانبخش مهران فر در سال ۱۳۹۱ تحقیقی تحت عنوان "مهاجرتهای غیر قانونی و تبعات اقتصادی آن در کشورهای میزبان "با تاکید بر مهاجرین افغان در ایران)" نگاشته اند که تاثیرات و پیامدهای مهاجرتهای غیر قانونی بر اوضاع

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

اجتماعی، سیاسی خصوصاً وضعیت اقتصادی و بازار کار در کشورهای میزبان را مورد بررسی قرار داده و در آخر آثار مهاجرتهای غیرقانونی و سیاست برخورد ایران با مهاجران غیر قانونی افغان به صورت دقیق و همه جانبه مورد بررسی قرار گرفته است.

-مقاله" تعلق ملی گرای در دیاسپورای کردها " توسط "جادین و هانسن " در دانشگاه آلبورگ در سال ۲۰۱۴ که در این مقاله برنقش بازیگران کرد در دیاسپورا ، سازه هویتی به مثابه یک فرآیند ضدیت ، اسطوره ملی و مقاومت ، اروپایی نمودن سیاست های ملی گرایانه کردها ، ساختار فرصت ها و ظهور الیت های کرد در دیاسپورا به عنوان کارگزاران اصلی تعارض تاکید می شود .

-مقاله " ناسیونالیسم در دیاسپورا به عنوان یک جنبش اجتماعی "(مطاله موردی تاتارهای کریمه) در دانشگاه تورنتو کانادا توسط "فلیز آیدین" . در این مقاله نویسنده چرایی و چگونگی ظهور دیاسپورای تاتارهای کریمه ، کیفیت توسعه دیاسپورای آنها و دلیل موفقیت این دیاسپورا را نشان می دهد .

-گزارشی با عنوان سیاستهای ایران در خصوص پناهجویان افغان در هنگام تحریمها و جنگهای منطقه توسط موسسه دانمارکی مطالعات بین الملل در سال ۲۰۶ توسط "جان کریستینسن" به رشته تحریر درآمده است . این گزارش تحلیل بسیار جامعی از وضعیت پناهجویان افغان در ایران با استفاده از متغیرهای امنیتی ، منطقه ای ، سیاسی و اقتصادی را ترسیم می نماید . در این گزارش علاوه بر نگاه انتقادی کارگران ایرانی نسبت به کارگران افغان ، عنوان می گردد که جامعه بین الملل باید قضیه پناهندگان و بودجه های مالی آن را از مسایل سیاسی منفک نماید . یعنی اگر جامعه بین الملل در خصوص مهاجرین افغان نگران است باید تحریم ها را از اقتصاد ایران حذف کند که بتوان از آنها حمایت مالی داشت . به طور کلی این گزارش آمار دقیقی از روندهای مهاجرتی افغانها به ایران و سیاستهای ایران در این خصوص ، همچنین تخصیص بودجه های مالی را به آنها ترسیم می نماید.

-مقاله "نقش دیاسپورا در ملت سازی ، درسهایی برای دول شکننده در آفریقا " ، توسط بانک توسعه آفریقا چاپ و در آن به بسیج دیاسپورا در سرمایه گذاری و کارآفرینی و کمک دیاسپورا به رشد بخش خصوصی و زنجیره ارزش با استفاده از منابع مالی وارداتی خود به کشور مادری بحث می نماید.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

-مقاله "فرآیند دولت سازی توسط دیاسپورا "توسط "Dan Lainer " در دانشگاه کالیفرنیای جنوبی به تاثیر دیاسپورای خارج و تاثیر آن بر ناسیونالیسم کشور زادگاه می پردازد. در این مقاله از دیاسپورا به عنوان پیشتاز حرکت ملی گرایانه ، یک جایگاه استراتژیک برای خلق گفتمانهای ملی ، چگونگی استفاده دیاسپورا از تامل با مقامات رسمی کشور مهمان و استفاده از فناوری و منابع مالی برای کشور زادگاه ، بحث می گردد.

- "سینتیا سالووم" در مقاله ای با عنوان " سیاست خارجی آمریکا و تاثیر دیاسپورا بر شکل دهی بر بافت سیاست خارجی آمریکا " سیاست خارجی آمریکا به جوامع دیاسپوریک و کنشگران غیر دولتی برای پیشبرد منافع خود در مناطق پیرامونی ، نیاز دارد . در این راستا به جوامع دیاسپوریک ایرانی ، کرد ، فلسطینی ، چینی ، اسراییلی و کوبائی اشاره می نماید

-کتابی با عنوان " دیاسپورا برای توسعه " توسط دو نویسنده با نامهای " Mark Boyle & Rob Kitchein " در دانشگاه ملی ایرلند در سال ۲۱۰۵، عناصری را برای تاثیر گذاری جوامع دیاسپوریک جهت توسعه اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی ، جوامع میزبان و مهمان بر می شمردند . این عناصر شامل:

۱- دیپلماسی و حمایت از دیاسپورا : Diaspora Advocacy and Diplomacy

مدافعان ، فعالان ، آشوبگران و سفیران جوامع دیاسپوریک می توانند از دانش ، مخاطبین ، مهارت های زبانی و بینش های فرهنگی برای ارتقاء صلح و امنیت ،استفاده کنند و به تقویت استراتژیک ، دیپلماتیک در وطن خود بپردازند. مؤسساتی که بیشترین تأثیر را دارند جنبشهای اجتماعی ، احزاب سیاسی ، ادارات دولتی و سازمان های مردم نهاد، می باشند

۲- بازارهای سرمایه دیاسپورا Diaspora Capital Markets

اعضای دیاسپورا می توانند با نگه داشتن حساب های سپرده ، بازارهای سرمایه، تأمین اعتبار جریان حواله ، ارائه وام های فراملی به گروه های دیاسپورا؛ خرید اوراق قرضه دیاسپورا؛ و حمایت از وجوه متقابل دیاسپورا اشاعه دهنده بازار سرمایه باشند. مؤسساتی که بیشترین تأثیر را دارند مؤسسات بانکی ، صندوق های بازنشستگی ، شرکت های بیمه و خزانه داری دولت مي باشند.

۳- سرمایه گذاری مستقیم دیاسپورا (Diaspora Direct Investment)

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

اعضای دیاسپورا می توانند به عنوان مدیران ارشد در شرکت های فراملی در وطن سرمایه گذاری کنند.همچنین می تواند در کشورهای مبدأ قراردادهایی را برای بنگاههای خرد ، کوچک و متوسط در کشور خود ، برون سپاری و استخدام نمایند. موسساتی که بیشترین تاثیر را دارند ، آژانس های سرمایه گذاری درون حکومتی و رنجیره های عرضه داخلی هستند.

۴- شبکه دانش دیاسپورا : Diaspora Knowledge Networks

دیاسپورا می تواند با اشتراک گذاری دانش و مراودات ، شرکت ها را در ارسال دیاسپورا توسط کشورها و در مشارکت در سازمانهای یاددهنده ، آموزش همکاران با استعداد ،پیوستن به اتاق های فکر ، گروهها و شوراها مشاوره و یاری دهد.موسساتی که در این راستا بیشتر تحت تاثیر قرار گرفته اند شامل ، بنگاههای خرد ، کوچک و متوسطی هستند که نگاهی جهان شمول و توسعه خواه را دارند.

۵- دیاسپورای بشر دوستانه Diaspora Philanthropy :

جوامع دیاسپورا می توانند از طریق هبه های داوطلبانه بخش خصوصی ، سازمانهای مذهبی ، بنیادها ، شرکت ها ، شهروندان داوطلب و انجمنهای دانشگاهی ، انتفاعی را برای منافع عمومی ارائه دهند. مؤسساتی که بیشترین تأثیر را دارند ، سازمان های مردم نهاد جامعه مدنی هستند که از جمعیت آسیب پذیر و دانشگاه ها و کالج ها محافظت می کنند.

۶- حواله و واریز وجوه دیاسپورا: Diaspora Remittances –

جریان حواله های دیاسپورا مستلزم انتقال خصوصی شخصی به شخص از کارگران مهاجر به دریافت کنندگان کشور مبدا کارگر است. مؤسساتی که بیشترین تأثیر را دارند ، شبکه های گسترده خانواده و سازمانهای جامعه محور است.

۷- برگشت مهاجران دیاسپورا: Diaspora Return Migration –

جمعیت دیاسپورا می توانند توافق های دو جانبه و چند جانبه برای محدود کردن استخدام از کشورهای به ویژه آسیب پذیر و در معرض خطر را ترویج و ارتقاء بخشد. افزایش مسئولیت پذیری در بین متخصصان استخدام و کارفرمایان، ایجادپروتکل برای درمان کارگران خارجی و مهاجرت بازگشت را تسهیل کنید. مؤسساتی که بیشترین تأثیر را دارند ، آژانس های استخدامی و مؤسسات دولتی و خصوصی هستند که به انواع خاصی از

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

استعدادها نیاز دارند که کمبود آن وجود دارد.

۸-کروههای دیاسپورا Diaspora Corps:

گروه های دیاسپورا می توانند برای حمایت از جمعیت آسیب پذیر ، برنامه های داوطلبانه را برای ترویج بازدیدهای کوتاه مدت از کشورهای مبدأ ، یاری رساندن به ادارات تعاون ، به ویژه در اوج فاجعه طبیعی انسانی ناشی از آن ، و برای حل فقدان مهارت های کلیدی ایجاد کنند. مؤسساتی که بیشترین تأثیر را داشته اند سازمان های مردم نهاد داخلی و مؤسسات خدمات عمومی هستند

۹- جهانگردی دیاسپورا Diaspora Tourism

بازدید و ملاقلات دیاسپورا از وطن ،منبع مهمی از درآمد و ارزخارجی را در اختیار شما قرار می دهد. این بازدیدها شامل گردشگری پزشکی ، گردشگری مرتبط با مشاغل ، میراث گردشگری است . موسساتی که بیشترین تاثیر را داشته اند ، شامل ، شرکت های مسافرتی داخلی و شرکت های بازاریابی می شود

۱۰-تأثیرات سرمایه انسانی سرمایه گذاری :Diaspora human capital

چشم انداز پیوستن به صفوف دیاسپورای ثروتمند ، می تواند در تقویت قیل از عزیمت جامعه دیاسپورا در سرمایه انسانی دولتهای مهاجر فرست بوسیله به روز نمودن صلاحیت های حرفه ای و مجموعه مهارتهای آنان در افزایش احتمال جابجایی بیشتر آنان بر بازار کار توسعه یافته و پیشرفته تر ، نتیجه بخش باشد .موسساتی که بیشترین تاثیر را دارند شامل آژانس های آموزشی ، دانشگاهها و کالج های فنی می باشند.

-گزارشی تحت عنوان "جنبه های اجتماعی و اقتصادی مهاجرت " توسط کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۳ که توسط دو نویسنده به نام(Anjar Rudiyer& Sarah Spencer) ، منتشر شده است.در این گزارش در خصوص همانند سازی مهاجران ، کیفیت شهروندی ، آموزش ، اشتغال مهاجرین و تاثیر این متغیرها بر جنبه های اقتصادی و اجتماعی دول میزبان ، تحلیلی جامع صورت می گیرد.

-مقاله ای با عنوان "گروههای دیاسپورای بی دولت و رفتارها ملی گرایانه آنها درکشور میزبان " در دپارتمان علوم سیاسی ، فلورانس ایتالیا که توسط (Bahar Basar) ، منتشر شده است ، ناسیونالیزم از دور توسط دو جامعه دیاسپوریک کرد و ارمنی ، جنبش های

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

اجتماعی و اعتراض آنها در حمایت از جوامع تامیل و کرد داخل وطن اصلی ، مورد بحث قرار می گیرد.

مبانی نظری :

تحلیل تعارض و سازه های متعارض جوامع دیاسپوریک در جوامع مبداء و مقصد:

در ارتباط با افول و صعود تعارض منتج به جوامع دیاسپوریک باید عنوان نمود ، جنگهای داخلی می توانند علاوه بر ایجاد تنش فزاینده و به دلیل ریزش اثراتی که توسط جامعه دیاسپوریک تحمیل و بار اجتماعی و اقتصادی ایجاد می شود ، بی ثباتی سیاسی ایجاد کنند. (Gleditsch, Salehyan, & Schultz, 2008). هنگامی که صحبت از دیاسپورای وسیع تر می شود ، لابی کردن گروه های دیاسپوریا می تواند به مداخله خارجی منجر شود و اختلافات بین گروه های مختلف ممکن است خطر گسترش درگیری را به کشورهای محل سکونت افزایش دهد. (Baser, 2015). از این رو ، حتی اگر اعضای دیاسپورا از نظر جغرافیایی در خارج از کشور زندگی می کنند ، اما از نظر هویت ، هم از نظر داخلی و هم در خارج به عنوان بخشی از میهن درک می شوند.به این معنا ، گروه های دیاسپورا می توانند به عنوان منابع فراملی ، برای حمایت مالی و سیاسی از فعالیتهای مختلفی که هم پشتیبانی کننده و هم محدود کننده تضادها هستند ، درک و در نظر گرفته شوند.برخی از موارد مستند وجود دارد که در آنها می توان مستقیماً از طریق حمایت از مذاکرات صلح و سازوکارهای عدالت انتقالی ، فرایندهای مختلف را برای تشدید درگیری ، ایجاد صلح و تحکیم صلح ، شکل داد.محققان در نقد و بررسی نقش دیاسپورا در جوامع متعارض ، خاطرنشان می نماید که کشورهای مختلف، مانند افغانستان ، بوروندی ، نپال ، سومالی و سودان ، همه مذاکرات و برنامه های صلح را بطور اساسی شکل می دهندمشارکت آنها شامل شناسایی ، برقراری ارتباط با و تشویق طرفهای متعارض برای تعامل با میانجیگران بین المللی، حمایت از اجرای توافق نامه های صلح ، از جمله با واسطه مستقیم بین طرف های جنگجو؛ تشویق دولت های کشور میزبان به عنوان واسطه گر یا حمایت از مذاکرات و مشاوره در مورد زمینه درگیری و بازیگران ذیربط مي باشد، و همینطور مواردي را پیشنهاد می کند که در توافق نامه های صلح گنجانده شوند .(Brinkerhoff, 2011).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

در اواخر دهه ۱۹۶۰ جان گالتونگ، (Galthung,1969,72) مدل تأثیرگذار از تعارض را پیشنهاد کرد که در برگیرنده هردو ستیزهای متقارن و نامتقارن است. او پیشنهاد داد که تعارض باید همانند یک سه ضلعی در نظر گرفته شود همراه با تناقض،نگرش و رفتار (figure1.1) در اینجا تناقض اشاره به موقعیت تعارضی مهمی دارد که دربرگیرنده اهداف متناقض درکی و واقعی بین طرفهای درگیر است که توسط «hrismitchells»، تفاوت بین ارزشهای اجتماعی و ساختار اجتماعی نامگذاری شده است (1981a:18)در یک تعارض متقارن، تناقض توسط طرفهای درگیر، علائق و تصادم علائق بین آنها تعریف می‌شود. در یک تعارض نامتقارن، روابط آنها و تعارض ما بین علائق به میراث رسیده‌ی آنها از روابطشان معنی می‌شود. نگرش شامل ادراکها و نامفهوم بودن ادراکها طرفهای درگیر از همدیگر و از آنها است. اینها می‌توانند مثبت یا منفی باشند؛ اما در تعارضات خشونت آمیز، طرفهای درگیر تمایل به توسعهی درخواستهای کلیشه‌ای یکدیگر هستند و نگرشها اغلب توسط عواطفی مانند ترس،عصبانیت،تندی و تنفر تحت‌تأثیر قرار می‌گردد. نگرشها ، سه عنصر عواطف (احساس)،شناخت (عقاید) و Conative (اشتیاق و خواسته) را پوشش می‌دهند. تحلیل‌گرانی که به این جنبه‌های فردی تأکید دارند،گفته می‌شود که نظر مؤثری بر روی منابع ستیز دارند (krisberg, 1982,17). رفتار سومین جزء است که می‌تواند درگیر همکاری یا جبر، مصالحه و یا تولید خصم گردد. رفتار تعارض‌آمیز خشن، ویژگیهائی مانند تهدید، جبر و حملات مخرب را به دنبال دارد. تحلیل‌گرانی که بر جنبه‌های بلندمدت مانند روابط ساختاری، رقابت منافع مادی با رفتار، تأکید دارند می‌گویند که این یک نگاه ابزاری به منابع تعارض است. گالتونگ اشاره دارد که هر سه جزء فوق در یک تعارض کامل باید همراه یکدیگر باشند. ساختار یک تعارض بدون رفتار یا نگرش تعارضی، یک ساختار ناپیدا و مبهم است. گالتونگ، تعارض را در یک فرآیند پویا در ساختار، نگرش و رفتار می‌بیند که دائماً در حال تغییر و تاثیرگذاری بر روی یکدیگرند. در اینجا یک صورت‌بندی از طرفهای درگیر حول محور منافع صورت می‌گیرد و طرفهای درگیر، خودشان را در اطراف این ساختار سازماندهی و دست به تعقیب منافع، بسط نگرش خصمانه و رفتار تعارضی می‌زنند؛ بنابراین یک صورت‌بندی از تعارض رشد و عمق می‌گیرد. این تعارض ممکن است گسترده، عمیق‌تر و اشاعه یابد و به نسلهای درگیر در تعارضات انتقال یابد. در

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۱۰
سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

نگاه گالتونگ (۱۹۹۰)، یک تمایز میان خشونت مستقیم، خشونت ساختاری و خشونت فرهنگی دیده می‌شود. خشونت مستقیم را می‌توان با استفاده از تغییر رفتار متعارض، خشونت ساختاری را به وسیله از بین بردن تناقضات ساختاری و بی‌عدالتی و خشونت فرهنگی را با تغییر در نگرش، از بین برد. این پاسخها در بازگشت به راهبردهای گسترده حفظ صلح، ایجاد صلح و صلح‌سازی مسیر است. گالتونگ از صلح منفی به مثابه یک انقطاع خشونت مستقیم و از صلح مثبت به مثابه غلبه خشونت فرهنگی و ساختاری یاد می‌کند.وي انواع مختلف خشونت را در سه دسته طبقه‌بندی می‌کند. خشونت مستقیم (رفتاری)، خشونت فرهنگی (ساختار اجتماعی) و خشونت ساختاری. هرکدام از این سه دسته، نشان‌دهنده زاویه افراد به مثلث خشونت، جائی که گالتونگ از آن به چرخه باطل ساخته شده یاد می‌کند ،می‌باشند. گالتونگ این سه مقوله را به مقولات قابل مشاهده و نامرئی تقسیم می‌کند. درحالی‌که خشونت مستقیم، قابل مشاهده و مرئی است، خشونت ساختاری و فرهنگی، نامرئی و نامحسوس است. اثرات رؤیت‌پذیر خشونت مستقیم به صورتهای کشته، زخمی، آواره و هدف قراردن فزاینده غیرنظامیان دیده می‌شود؛ اما اثرات نامرئی ممکن است حتی بدتر نیز باشد، یعنی خشونت مستقیم، خشونت فرهنگی و ساختاری را تقویت می‌کند (Galthung,2004) گالتونگ ادعا می‌کند که گرچه جنبه‌های فرهنگی و ساختاری تعارض، نامرئی هستند، در حقیقت نقش مهمی را در مراحل جلوگیری و احیاء مراحل تعارض دارند. او می‌گوید که خشونت ساختاری و فرهنگی که باعث خشونت مستقیم می‌شوند از کنشگران خشونت که بر علیه ساختارها، آشوب می‌کنند استفاده و از فرهنگ مشروعیت بخش آن برای خشونت به مثابه یک ابزار استفاده می‌کنند (Ibid). خشونت مستقیم ممکن است حداقل در دوره های بلندمدت، نسبت به آسیبهای ساختاری و فرهنگی، دارای تنش کمتری باشد.در خشونت ساختاری، ساختار اجتماعی، اسطوره‌ها و تاریخ از جایگاه مهمی برخوردارند .

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

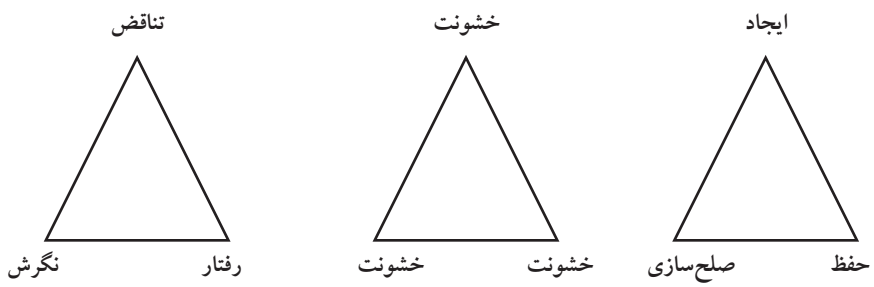

شکل - مدلهای تعارض، خشونت و صلح گالتونگ

تعارضات، پویا و می‌توانند با سرعت شگفت‌آوری توسعه و تغییر یابند و قبل از اینکه ناگهان به سوی خشونتهای آشکار، فوران کنند،می‌توانند برای مدت زمان طولانی با چراغ خاموش حرکت نمایند. فرایند صعود و خیزش تعارض پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی است. مسائل جدید و طرفهای درگیر در تعارض ظهور می‌یابند. مبارزات داخلی می‌توانند اهداف و تاکتیکها را تغییر و تعارضات مترتب بعدی می‌توانند وضعیت را پیچیده‌تر و بغرنج‌تر نمایند. همین مسائل برای افول تعارض نیز صدق می‌کند. در اینجا برای تبیین صعود و افول تعارض، از مدل صعود و افول تعرض استفاده می‌شود. این مدل، معیاری برای سنجش تغییرات آماری در سطوح تعارض است که می‌توان در مناطق مختلف نشان داد ." ونور و همکاران " بر این اعتقادند که دیاسپورا می تواند به صورت مستقیم ، افول تعارض ، صلح سازی و فرایندهای مقوم صلح را سبب شود(vanor and at.al ,2017,22)

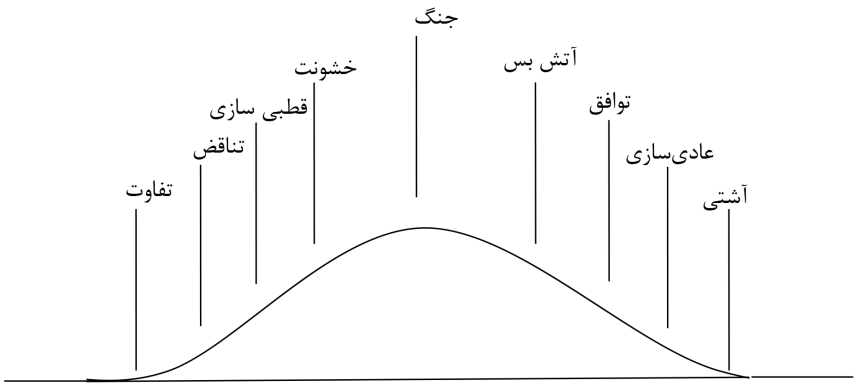

شکل- افول و صعود

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۱۲
سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

هم چنین، دیاسپورا می‌تواند با تهیه بودجه ای برای کنفرانس های صلح و سایر رویدادهایی که نمایندگان طرفهای درگیر را جمع می کنند ، مستقیماً از روند صلح حمایت کند. از سوئی ، دیاسپورا می تواند با ایجاد سازوکارهای مشورتی که گروه های اقلیت می توانند در سطح سیاسی مرکزی نماینده شوند، در ممانعت ساختاری درگیری های آینده نقش داشته باشد یکی از زمینه های همپوشانی نزدیک بین صلح و توسعه مربوط به ایجاد و توانبخشی نهادهای مدنی و سیاسی است که بسیاری از آنها ممکن است قبل از جنگ و در جریان درگیری غایب بوده اند یا ممکن است به دلیل تضاد به شدت تضعیف شده باشد . این فعالیت ها می تواند شامل مشارکت در تهیه و تصویب اسناد سیاسی ، شرکت در احزاب سیاسی و انتخابات و پشتیبانی از گروه های جامعه مدنی باشد .در طی فرایندهای دولتی سازی و تحکیم دولت ، دیاسپورا می تواند به قانونگذاری وتهیه اسناد سیاسی که شخصیت و مسیر آینده سیاسی یک کشور را تعیین می کند ، کمک کند.

همچنین ، دیاسپورا می تواند با شرکت در انتخابات یا پذیرش نقش های غیرانتخابی در دولت ، به صورت کاملا مستقیم در توانبخشی مؤسسات سیاسی شرکت کند. نمونه های بسیاری مانند ، حامد کرزی (افغانستان) و میخائیل ساکاشویلی (جورجیا).از رهبران سیاسی وجود دارد که در طول درگیری های فراوان خود را مطرح نموده اند.

در افغانستان ، سه چهارم از دولت کابینه موقت ۳۰ نفره به رهبری حامد کرزی اعضای سابق دیاسپورا بودند که برخی از آنها در مذاکرات سیاسی در" بن آلمان " شرکت کرده بودند که منجر به تشکیل دولت موقت شد(Jazayery, 2003)... در حالی که گنجاندن دیاسپورا در مناصب سیاسی سطح بالا ، لزوماً اتخاذ دستور کار صلح را تضمین نمی کند ، ممکن است سیاستمداران از دیاسپورا برای حمایت از تغییرات حاکمیتی مطابق با هنجارهای بین المللی ، که اغلب اوقات صلح را تشویق می کنند ، آماده باشند.یکی از حوزه های اصلی دیاسپورا در مورد مناطق مختلف در تعارض/ صلح مربوط به نفوذ سیاسی است که سیاستمداران می توانند از طریق فعالیت هایی از قبیل لابی و فعالیتهای آگاهی بخشی در کشور محل اقامت ، نقش اهرم را ایفاء نمایند. دیاسپورای ایرلندی در ایالات متحده نمونه ای از چگونگی لابی برای مداخلات سیاسی خاص در یک کشور میزبان می تواند روند صلح در کشور را تسریع کند. سایر دیاسپوراها ، مردم کشورهاي میزبان خود را

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

عموماً با هدف اطلاع از تعارضات موجود در کشورهاي مبداء خود ، به منظور تشویق مداخلات بشردوستانه هدف قرار داده اند . دیاسپورا همچنین می تواند از لابیگری برای حمایت از ایجاد مکانیسم های تعیین شده تأمین اعتبار برای پروژه های صلح و آشتی استفاده کند . رهبران اصلی تجارت در دیاسپورای ایرلندی در آمریکا ، مانند "چاک فینی" ، همچنین در تأمین بودجه نهادهای سیاسی مانند «دوستان شین فین» که از دولت ایالات متحده لابی می کردند برای ایفای نقش های پیشگیرانه در روند حل و فصل مناقشات نقش مهمی داشتند(Cochrane, Baser& Swaim, 2009)..مشارکت انتزاعی تر که بوسیله دیاسپورای مرتبط با صلح به انتقال برگشتهای پولی و مالی ، ایجاد می گردد ، رفتار، هویت و پیوندهای اجتماعی هستند که می تواند در نگرش های محلی که علاقمند به پذیرش صلح هستند ، کمک نماید((Levitt,1998. در لیبریا ، "آنتونی بواتنگ" ، عنوان می دارد که دیاسپورای مستقر در آمریکا به عنوان کارآفرینان عادی ، عمل می نمایند و به طور موثری ، سعی در انتقال هنجارهای خود در آمریکا به لیبریا ، هستند. ((Antwi-Boateng 2012a,) همچنین او خاطرنشان کرد که شهروندان مستقر در آمریکا به عنوان "کارآفرینان عادی" عمل می کردند که به طور فعال سعی در انتقال هنجارهای خود در ایالات متحده به لیبریا داشتند.این هنجارها شامل تمایل به آشتی پیروی از ضد دینی (تاریخی) ،دموکراسی ،کثرت گرایی سیاسی و تحمل هویت های مختلف سیاسی / مذهبی. حقوق بشر ، حقوق زنان و احترام کلی به تنوع؛ حاکمیت قانون ، و شفافیت و پاسخگویی ، می باشد.به نظر می رسید که دیاسپورای لیبریا با استفاده از سازوکارهای مختلفی برای انتقال این هنجارها از جمله فناوری اطلاعات ، مشارکت در مؤسسات و فرآیندهای مدنی ، بشردوستی ، سازمان های مذهبی و ورزش استفاده می کند. به عنوان مثال ، فناوری های اطلاعاتی از جمله اینترنت ، به این دیاسپورا اجازه داده است تا از طریق رسانه های اجتماعی و انجمن های بحث و گفتگوی اینترنتی با افراد باقیمانده در وطن درگیر بحث و گفتگوی سیاسی شود. با اعتماد ایجاد شده بین دولتها و دیاسپوراها ، ویژگی های دیاسپورا به خوبی درک شده و اهداف مشارکت در دیاسپورا به وضوح بیان شده است ، مشارکت و همکاری برای توسعه دیاسپوراهای درگیر ، می تواند منجر به بسیج موفقیت آمیز بیشتری بین این جوامع گردد. البته برای این موضوع ، نیاز به ایجاد و خلق موسسات جدید دولتی یا احیای موسسات

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

موجود باشد. کشور سنگال از نخستین کشورهای پیشتاز برای این نوع ساماندهی بود که در سال ۱۹۹۳ با ابتکاری برجسته ، وزارت امور خارجه خود را ، محکوم به نظارت در ابعاد فرامرزی دیاسپورای خود نمود. نمایندگان در میزگردهای مجمع جهانی مهاجرت و توسعه در سال ۲۰۰۷ ، بارها اعلام نموده اند که کشورهای مبداء برای برقراری با همسایگان خود ، و تعمیق سیاستها ، نیازمند یک چارچوب نهادی ، می باشند.از سوئی دیاسپورا به انتقال بودجه و هم افزائی بین کشورهای فقیر و ثروتمند در امور آموزشی ، کار و جریان سرمایه می تواند به عنوان یک کارگزار توسعه عمل نماید. رابین کوهن در سال ۱۹۹۷ ، پنج نوع مختلف از دیاسپورا را با عنوان ، دیاسپورای قربانی ، دیاسپورای کار ، دیاسپورای تجارت ، دیاسپورای امپریالیزم و دیاسپورای قلمرو زدائی شده (فرهنگی) را از همدیگر و با توجه به کارکردهای انها متمایز می کند . (kohen,1995)

گونه شناسی کوهن از مقولات دیاسپورا : (cohen,2008,)

انواع اصلی دیاسپورا	مثالهای دیاسپورا	اشارات و مفاهیم
دیاسپورای قربانی	یهودیان - آفریقائیها	خیلی از گروههای پراکنده معاصر ، دیاسپورای قربانی هستند که به سرزمین اصلی خود برگشته اند و یا در سرزمین مهمان ، همانند گشته اند
دیاسپورای کار	سرخپوستان به استخدام درامده	دیاسپورای پرولتاریا بیان دیگری از این وضعیت می باشد. ترکها و چینیها نیز در این وضعیت قرار می گیرند
دیاسپورای امپریالیسم	انگلستان - فرانسه	دیاسپورای مردم قدرتهای استعماری که به مستعمرات رفته اند
دیاسپورای تجارت	لبنانیها - چینیها	دیاسپورای تجاری و سوداگری و مسافرت به کشورهای غربی
دیاسپورای قلمروزدائی شده	مردمان منطقه کارائیب	دیاسپورای مذهبی - اختلاط فرهنگی بعد از دوران استعمار بیان دیگری از این وضعیت است

اقدامات دیاسپورا در فرآیند صلح و تعارض :

در راستای اثبات مبنای نظری تحقیق و با توجه به به فرآیندهای فوق و نقش بی بدیل دیاسپورا در صعود و افول تعارض و نقش توامان صلح سازی و تعارض آمیز ، می توان

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

شمای کلی نقش مذکور جوامع دیاسپوریک را به شرح جدول ذیل ، تشریح نمود :

تعارضات جاری	طرفداری ، لابینگ ، درخواست ، کمپین ، ارسال حمایتهای مالی از گروههای مسلح ، الحاق به گروههای شورشی به عنوان جنگجو ، رای دادن به فرایندهای سیاسی کشور مبدا در کشور مقصد
فرآیند صلح	تخریبگر یا حامی فرایندها ، درگیر شدن به عنوان طرف سوم ، تسهیل گر و متعهد به کشور در فرایند صلح در کشور مبدا، شرکت در فرایندهای صلح به عوان مذاکره کننده
توسعه و بازساخت پسا تعارض	سرمایه گذاری ، کارآفرینی ، مشارکت در برگشت مهاجرین ، پروژه های توسعه ، حمایت از زیرساختها ، حامی کمکهای خارجی
عدالت انتقالی	لابی نمودن برای شناسائی ژنوساید ، شرکت در کمیسیونهای تحقیق ، تلاش برای صلح و آشتی

دیاسپورا و امنیت اقتصادی کشور مقصد:

امنیت اقتصادی یکی از نگرانیهای اصلی دولتها در هزاره سوم است که جهتی دو سویه دارد. وجه نخست به تحکیم بنیانهای اقتصاد ملی و رهانیدن آن از آسیب وابستگی به کشورهای دیگر مربوط و وجه دیگر آن متوجه کشورهای صنعتی است . امنیت اقتصادی این کشورها نیز با مسائل و معضلات کشورهای توسعه نیافته ، پیوند خورده است (روشندل ، ۱۳۹۵؛۲۲) . طبعتاً سیل نا امنی در کشورهای جهان سوم که مولود نا امنی و مهاجرت فرصتی هستند از دغدغه های اصلی دول میزبان مهاجرین می باشد.

در این راستا ، مهاجرت می تواند بعنوان یک تهدیدبرایمنافع ملی دولت‌ها مطرح و اقتصادآنها را شکننده سازد .

از سوئی مهاجرت دارای تاثیری فراروان بر حیات اقتصادی کشورهای مبدا و مقصد می باشد.

در حالیکه مهاجرت دارای مزایا و معایب اقتصادی است ، تعریف امنیت برای پوشش بخش اقتصادی توجه شایانی به چالش های اقتصادی ناشی از مهاجرت به همراه داشته و و مهاجرت به عنوان یک مساله امنیتی نامگذاری شده است .

این مهاجران اقتصادی همچنین پناهندگان و پناهجویانی هستند که به نظر می رسد امنیت اقتصادی یک کشور را تهدید می کنند . می توان بحث مهاجرت نیروی کار را به عنوان تهدیدی برای امنیت اقتصادی دولت فرستنده و همچنین پذیرنده مطرح ساخت. با

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

توجه به این استدلال ؛ مهاجرت نیروی کار و واجد شرایط از کشورهای در حال توسعه جنوب به کشورهای توسعه یافته مالا منجر به فرار مغزها در کشور فرستنده و بعلاوه پیامدهای اقتصادی نامطلوب برای کشور پذیرنده شود(Guild,۲۰۰۹,۱۳۴)

مضاف بر این موضوع ، پرداخت پول به مهاجران منتقل شده به کشورهای مبداء نقش مهمی در رشد اقتصادی و توسعه کشورهای ارسال کننده دارد (Dhass,۲۰۰۵,۱۲۷۴) .

بنابراین می‌توان مهاجرت را بعنوان یک تهدید برای امنیت اقتصاد کشور پذیرنده از طریق تأثیر آن بر بازار کار مطرح کرد. این نگرانی را می‌توان با برجسته کردن برخی از مسائل کلیدی مطرح کرد: آیا کارگران مهاجر در یک اقتصاد قوی دستمزد را کاهش می‌دهند؟ و در یک اقتصاد قوی؛ آیا مهاجرین شغل را از کارگران متولدشده بومی اشغال می‌کنند؟ افکار عمومی اغلب از این مفهوم حمایت می‌کند که مهاجران دستمزدها را کاهش می‌دهند و مشاغل را کنار گذارند و به مشکلات اقتصادی کمک می‌کنند (Somevile&-sumption,2009,3). برخلاف تصور عموم مردم که مهاجران امنیت را تهدید می‌کنند و دستمزدها را کاهش می‌دهند و منجر به افزایش سطح بیکاری می‌شوند، مهاجرت در واقع می‌تواند فرصت‌های شغلی را افزایش دهد و اقتصاد کشور پذیرنده را شکوفا کند. مهاجرت همان طور که نحوه زندگی مهاجران را تغییر می دهد، الگوهای اشتغال و فعالیت آنان را نیز دگرگون می کند. مهاجران دستمزدهای کمتری می گیرند، ساعات بیشتری کار می کنند و تلاش میکنند با انجام کارهای سخت،درآمد بیشتری کسب نمایند و قسمت اعظم آن را پس انداز و یا به کشور خود ارسال نمایند(زنجانی ، ۱۳۹۵،۱۸۷) از جمله پیامدهای مهاجرت را می توان کاهش فرصتهای شغلی،افزایش نرخ بیکاری،کمبود مسکن و افزایش نرخ اجاره بهاا مسکن دربسیاری از نقاط شهری و ... دانست.

دیاسپورا و امنیت اجتماعی کشور مهمان:

امنیت اجتماعی به توانائی یک جامعه در شکل دادن به شخصیت اصلی خود در شرایط در حال تغییر و تهدیدات احتمالی یا واقعی بستگی دارد. در ارتباط با مهاجرتهای بین المللی باید اذعان نمود که مهاجران ، همیشه می توانند تهدیدی بر علیه هویت فرهنگی ، زبانی ، مذهبی و اجتماعی کشور مقصد باشند. باری بوزان معتقد است امنیت اجتماعی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

زمانی مطرح است که نیروی بالقوه و یا بالفعلی به عنوان تهدیدی برای هویت افراد افراد جامعه وجود داشته باشد که فرد خود را عضو یک گروه اجتماعی بداند .(بوزان ، ۱۳۹۶، ۳۴). در این موارد مهاجرت ممکن است بعنوان یک تهدید امنیتی اجتماعی محسوب شود؛ زیرا هویت سنتی ملی و ارزش‌های اصلی آن را به چالش می‌کشد(Hiesler&Lay-ton,1993,50). علاوه بر این ناتوانی مهاجران در ادغام یا جذب شدن ، تاثیر منفی بر جامعه و ثبات دولت دارد(ibid,162). از سوی دیگر یک دولت مهاجرپذیر ممکن است مفهومی متناوب از هویت ملی داشته باشد و بنابراین ممکن است پذیرا و میزبان خوبی برای فرهنگها و زبانهای دیگر باشند. بنابراین مهاجرت می توانند ژانوس وار و دو روی یک سکه از تهدیدها فرصتها برای قلمرو اجتماعی کشورهای مقصد باشد. با این نگاه می توان مهاجرت را یک تهدید ذهنی و نه عینی ، سازه انگارانه و نه ساختارگرایانه برای دولتهای ، عنوان نمود که در بازه زمانی متفاوت واکنش های متفاوت را می طلبد و متغیری است که دائماً از ناامنی به یک کد امنیت ساز در حال تغییر است . زیرا مهاجرت خارجی را بعنوان دیگری نشان می‌دهد و در نهایت آن را از جامعه حذف می‌کنند(Huysmans,1995,778). مهاجرت های بین المللی بخصوص مهاجرت های غیر قانونی دارای بازتاب ها و پیامد های مختلف سیاسی- امنیتی اند. نفوذ پذیری مرزها و افزایش تردد های غیرمجاز، قاچاق مواد مخدر، گسترش تروریسم، فعالیت باندهای تبهکار و مافیایی، سوء استفاده از نیروی کار مردان خارجی و همچنین سوء استفاده جنسی از زنان مهاجر، جاسوسی و فعالیت های ضد امنیتی، برهم خوردن ترکیب قومی- مذهبی کشور میزبان،تهدید و تنزّل منابع طبیعی و ظرفیت های زیست محیطی ، شیوع بیماریهای مسری و... بخشی از پیامدهای امنیتی مهاجرین است(زرقانی و موسوی ، ۱۳۹۱)

مکاتب اقتصادی و مهاجرت :

تمامی مکاتب اقتصادی و سیاسی بر تاثیر دوگانه مثبت و یا منفی مهاجرت و دیاسپورا بر اقتصاد و امنیت کشور مبداء و مقصد ، اجماع داشته و بنابراین مکاتب اقتصاد سیاسی در سالیان گذشته تحلیلهای متفاوت و بعضاً متعارضی در این خصوص داشته اند . ولی به طور کلی می توان ، رویکرد و مواضع مکاتب مختلف در حوزه ی اثرگذاری مثبت یا منفی

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

بر توسعه را نیز درسه دسته ذیل تقسیم نمود (شیرخانی و بایزیدی ، ۱۳۹۷ ، ۱۰۵). گروه اول عمدتاً معتقد به اثرگذاری منفی خروج سرمایه انسانی بر توسعه هستند، این گروه در اقتصاد سیاسی بین الملل ، عمدتا رئالیست ها و ملی گرایان هستند . گرایش آنها مبتنی بر تشدید سیاستهای مهاجرتی برای جلوگیری از گسترش این فرایند است. گروه دوم ، عمدتاً رویکردی لیبرال در اقتصاد سیاسی داشته ومعتقد به آثار مهاجرت و خروج سرمایه انسانی بر کشورهای مبداء و مقصد هستند و دلایلی همچون افزایش سطح تخصص مهاجران ، کاهش بیکاری در کشور مبداء ، ارسال درآمدهای برگشتی و... ، دلایل محکم این گروه هستند.

-گروه سوم ، رویگرد جامع تری به پدیده مهاجرت دارند . آن ها مهاجرت را پدیده ای با آثار محتمل دوگانه بر توسعه در کشورهای مبداء و مقصد می دانند . بر اساس ایده های این گروه ، مهاجرت هم می تواند باعث بهبود توسعه در کشور مبداء شود و هم باعث کاهش توسعه.

درجدول ذیل ، دیدگاههای متفاوت و متعارض در مهاجرت و توسعه مشخص می‌گردد.

دیدگاههای متفاوت در خصوص مهاجرت و توسعه :

دیدگاه خوش بین به مهاجرت	دیدگاه بدبین به مهاجرت
کاردگرا	ساختارگرا
نئوکلاسیک	نومارکسیست
نوسازی	واگرائی
انتقال شمال به جنوب	انتقال جنوب به شمال
بدست آوردن مغزها	فرار مغزها
برابری بیشتر	نابرابری بیشتر
سرمایه پولهای برگشتی	مصرف

ظرفیت دیاسپورا برای توسعه کشور مبداء :

محققین در مقالات بسیار بر ظرفیت دیاسپورا در فرآیند توسعه ، قلم فرسائی نموده اند . " نانجی " بر این اعتقاد است که جامعه دیاسپورا می تواند در مقوله های اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی ، کارگزار توسعه باشد (nanji,2005,13-18)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

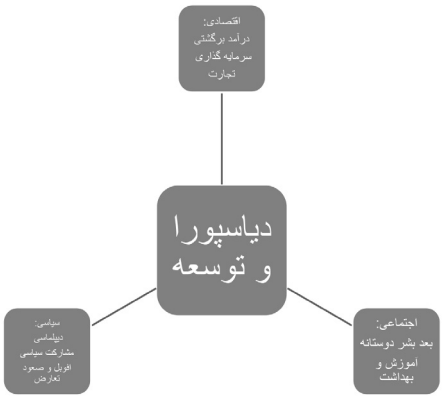

دیاسپورا می تواند به مثابه یک هبه کننده ، سرمایه گذار ، شبکه دانش، به عنوان یک بازار ، جذب کننده نخبگان و به مثابه سفیران صلح و آشتی نیز عمل نماید. در بعد هبه کننده ، جامعه دیاسپوریک می تواند در ابعاد بازگشت ارز و خدمات انساندوستانه به کشور خود خدمت نماید(brinkerhoff,2004). باید عنوان نمود که بازگشت ارز (remmitance)، در آمدهای برگشتی ، نوعی از منابع مالی هستند که مهاجران در کشور مقصد کسب و به طرق مختلف به کشور مبداء ارسال می کنند و می تواند همزمان فرصت تهدید برای کشور مبداء و مقصد باشد.باید عنوان نمود درآمدهای برگشتی دیاسپورا همزمان می تواند نقش صلح و تعارض را در کشور مبداء ایفاء کند (host,2008) .سرمایه گذاری مستقسم خارجی تسط دیاسپورا نیز تشابه کارکردی بسیاری با درآمدهای برگشتی دارد. به طور مثال ، مطابق آمار مقامات رسمی افغانستان ، جریان درآمدهای برگشتی در سال ۲۰۱۵ ، معادل ۳۴۲ میلیون دلار معادل ۱/۷ تولید ناخالص ملی افغانستان بوده بوده است، گرچه بعضی از آمارها این ملبغ را معادل ۳-۷ درصد تولید ناخالص داخلی افغانستان می دانند. در بسیاری از نظریات و مدل های اقتصادی ، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به خصوص در کشورهای در حال توسعه از عوامل مهم توسعه محسوب می شود. دیاسپورا به مثابه بازار ، جمعیت دیاسپورا به مثابه یک بازار برای کشور خود هستند و مصرف کننده محصولات نوستالژیک کشور خود (Agunias and newland,2012) .باید عنوان نمود دیاسپورا همیشه با کشور مبداء به دلیل انگیزه های فراوان ، تعاملاتی بی حد ومرزی دارد . مهاجران غالبا، ارتباطات خود را با کشور مبداء به دلیل خاطره جمعی و نوستالژی اسطوره های کشور مبداء و آرمان

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

سرزمین اجدادی و تعهد جمعی به حفظ، احیاء و کامیابی کشور ، حفظ می نمایند (-co hen,1997,515) دیاسپورا به مثابه سفرای آشتی ، فعالین می توانند در جامعه دیاسپورا با ارتقاء مهارتهای زبانی ، بینش فرهنگی و.. ، صلح و امنیت را در کشورشان ارتقاء و اهداف سیاست خارجی ، دیپلماتیک و راهبردی را برای کشورشان بهبود بخشند (shain and barth, 2003). اهمیت این موضوع تا آنجاست که از پدیده دیاسپورا ، محققین با عنوان " کارآفرینان سیاسی غیر دولتی " یاد می نمایند (Adamson & Demetrio,2007). " کاتلین و همکاران " در اثر پرنفوذ خود با عنوان " ما از دیاسپورا و توسعه اقتصادی چه می دانیم ؟ ارتباط مذکور بین دو مولفه دیاسپورا و توسعه اقتصادی " را در سه محور ذیل می داند : (Kathelen & plaza,2013,3)

-تجارت : یک ارتباط کامل و قابل توجه بین حضور دیاسپورا و افزایش تجارت وجود دارد. همچنین اعضای دیاسپورا ارتباطاتی را بین تولید و محصول در کشور مبداء و مقصد ایجاد می نمایند.

-سرمایه گذاری : سرمایه دیاسپورا ها به طور مستقیم در کشورشان و متقاعد نمودن سرمایه گذاران غیر دیاسپورا که همان سرمایه گذاری را انجام دهند، اعتمادسازی سرمایه گذاران در ظهور بازارهای غیر توسعه یافته در این قسمت مهم می باشد(Epstein,2016,5)

- مهارتها و انتقال دانش :دیاسپوراها غالباً مهارتهای ارزشمند و تجاربی را که می توانند کسب نمایند به کشور خود انتقال می دهند .

بعضی از اندیشمندان ، چهار نحله مختلف سیاستگذاری در خصوص مهاجرین که در پیوند با رشد تجارت و اقتصاد کشور مبداء / مقصد باشند را به صورت ذیل دسته بندی نموده اند (Berry 1997,) :

-همانند سازی (Assimiliation) :همانند سازی هنگاهی رخ می دهد که اشکال مختلف مهاجرین با مردم محلی ارتباط و همانند می گردند

-جداسازی(seperation) : جداسازی هنگاهی رخ می دهد که اشکال مختلف مهاجرین با مردم محلی در تعامل و ارتباط نباشند

-همگرائی (integration) : همگرائی هنگاهی رخ می دهد که مهاجرین با هردو جامعه مهاجرین و مردم محلی و جامعه مقصد در تعامل باشند . در این حالت احتمال تجارت بین

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

المللی بین دو کشور افزایش می یابد

-حاشیه نشینی (marginalization): حاشیه نشینی هنگاهی رخ می دهد که جامعه مهاجرین نتوانند با جوامع دیگر تعامل برقرار نمایند و در این صورت هیچ تجارت بین المللی ، حادث نمی گردد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

نتیجه گیری:

همانطور که اشاره گردید تحقیق حاضر به بازشناسی مفهومی می پردازد که یکی از ملزومات جوامع خاورمیانه ای و مهاجر پذیر است که از قبل مهاجرین ، می تواند واجد مزایا و معایبی در سیاستهای مهاجرتی خود گردد . در راستای نظریه گالتونگ ، تحقیق ، نشان داد که جامعه مهاجر و دیاسپورا ، همزمان که می تواند موجد تعارض برای کشور میزبان باشد ، می تواند بر پایه نظریه همگرائی ، ایحاد کننده صلح و فرصت نیز باشد . تاکید می گردد که نظریه گالتونگ دارای دو چولگی به سمت صلح و جنگ و یا تهدید و فرصت می باشد و جامعه دیاسپوریک ، واجد این دو نحله عملیاتی برای کشور میزبان می باشند. همانطور که بسیاری از محققان بر این اعتقادند که دیاسپورا می تواند به صورت مستقیم ، افول تعارض ، صلح سازی و فرایندهای مقوم صلح را سبب گردد.

در این مقاله ، از دیاسپورا به عنوان پیشتاز حرکت ملی گرایانه در کشور مبداء ، ایجاد کننده جایگاه استراتژیک برای خلق گفتمانهای ملی در کشور خود و چگونگی استفاده دیاسپورا از تعامل با مقامات رسمی کشور مهمان و استفاده از فناوری و منابع مالی برای کشور زادگاه یا به عبارتی دیاسپورای دیجیتال بحث گردید . بدین ترتیب سیاست خارجی بسیاری از کشورهای مهاجر پذیر به جوامع دیاسپوریک و کنشگران غیر دولتی برای پیشبرد منافع خود در عرصه های اقتصادی ، سیاسی و ورود به مناطق پیرامونی ، نیاز دارد . گرچه جوامع دیاسپوریک در کشور مقصد واجد تهدیدات و فرصت هائی هستند . ولی با توجه به پدیده جهانی شدن ، رقیق شدن دولت ملت و موج های مهاجرت در هر نحله آن ، سیاسی ، کار ، مهاجرت و ... باید سیاستگذاری در زمینه ساماندهی و استفاده از ظرفیت مهاجرین و دیاسپوراها را تقویت نمود .

تقویت روابط فرهنگی و سیاسی دو کشور و استفاده از کارآفرینان دیاسپورا در عرصه های اقتصادی و فرهنگی را اگر بتوانیم به عنوان فرصت های اصلی جامعه دیاسپوریک بدانیم ، عدم ساماندهی و نظارت مهاجران در سیاستهای کشور مقصد ، بزرگترین آسیب بر پیکره کشورهای میزبان است که البته راهبردهای کشورهای در حال پیشرفته جامعه دیاسپورای خود را به عنوان یک دارائی استراتژیک به استخدام و از آن بهره جسته اند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

منابع :

-جمشیدیها ، غلامرضا و دیگران (۱۳۸۳) ، تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغان ؛ فصلنامه علوم اجتماعی .ش ۲۳

-جمشیدیان ، هادی(۱۳۸۰)، تبیین نظریه امنیتی امام خامنه ای ، رسله دکتری رشته امنیت ملی ، دانشکده امنیت ملی ، دانشگاه عالی دفاع ملی

-بوزان ، باری(۱۳۹۶) . مردم ، هراس و دولتها. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی . تهران . انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

-روشندل ، جلیل (۱۳۹۵) ،امنیت ملی و نظام بین الملل ، انتشارات سمت . تهران

-شیرخانی و بایزیدی (۱۳۹۷) ، مهاجرت سرمایه انسانی و توسعه : مقایسه ایران و ترکیه ، رهیافت های سیاسی و بین المللی ،زمستان ۱۳۹۷

- شهرام نیا ، امیر مسعود و اسکندری ، مجید (۱۳۸۸) ، ابعاد ، ریشه ها و پیامدهای فرار مغزها از پیرامون به مرکز ، ره آورد سیاسی ، تابستان ۱۳۸۸، سال هفت ، شماره ۲۴ و ۲۵، فروردین و اردیبهشت

-هادی زرقانی و موسوی زهرا (۱۳۹۵) ، مهاجرت های بین المللی و امنیت ملی ، فصلنامه مطالعات راهبردی ، بهار سال ۹۸ ، شماره ۱۷

-زنجانی ، حبیب (۱۳۹۳) ، مهاجرت ، تهران ، نشر سمت

انگلیسی:

- Janne Bjerre Christensen, (2016),GUESTS OR TRASH, Iran’s precarious policies towards the Afghan refugees in the wake of sanctions and regional wars, Danish Institute for International Studies

- Swartz, Turner, Tuden (eds.) (1966) Political Anthropology. Chicago: Aldine Publishing Co.

.1, 1966, pp. 268-274

-Allahar Anton. 2005. Ethnicity, Class, and Nationalism: Caribbean and Extra-Ccaribbean

and IZA, Discussion Paper No. 9762

Arastirmalar Dizisi 1 (July).

-Bernal. V. (2004) ‘Eritrea goes global: reflections on nationalism in a transnational era’,

-Bernal. V. (2004) ‘Eritrea goes global: reflections on nationalism in a transnational era’,

-Brubaker, R. (2005). The ‘diaspora’ diaspora. Ethnic and Racial Studies, 28 (1), 1-19.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

-Brubaker, R. (2005). The ‘diaspora’ diaspora. Ethnic and Racial Studies, 28 (1), 1-19.

California Press.

Conceptual Review of the Literature, United Nations Research Intitute

countries?, University of Southampton, UK, and IZA, Germany, Article

Cultural Anthropology, 19, 3–25.

Cultural Anthropology, 19, 3–25.

De Haas, H. (2007). Remittance, Migration and social development, A-

-Demmers, J. 2007. “New Wars and Diasporas: Suggestions for Research and Policy.” Journal of Peace, Conflict and Development, Vol. 11, 1-26.

Dimensions. Maryland, US: Lexington Books.

Docquier, Frédéric. (2014). The brain drain from developing countries-

Durugonul, Esma. (2013). Turkish Return Migration from Europe, Euro-

-Ergil, Dogu. 1995. “Dogu Sorunu: Teshisler ve Tesbitler.” TOBB: Stratejik

-Fawcett,T.james et al(1982)reson for development,vol.10,n0 4

February 2016

-Galthung,j(1969),violence,peace and peace research ,journal of peacr research theory, vol.6.no 3

-Garrote-Sanchez(2017), International Labor Mobility of Nationals: Experience and evidence for Afghanistan at macro level, Social Protection and Labor Global

-

-Gil S. Epstein(2016),The Formation of Networks in the Diaspora, Tel-Aviv-Yaffo Academic College

-Grubel Herbert B.; Scott, Anthony D. (1966). The International Flow of

-Gurbey, Gulistan. 1996. “The Development of the Kurdish Nationalism

-Gurr, Robert (2009), Peace and Conflict, Wilkenfeld: Paradigm Publishers.

-Haas, Hein De. (2005). International migration, remittances and develop-.ment: myths and facts, Third World Quarterly, Volume 26, Issue 8

-Hastings, Adrian. 1997. The Construction of Nationhood: Ethnicity, Religion and

-Herbele,R(1938),the cause of rural –urban migration :a survey og german theories,

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

ameracan journal of sociology, no43

-Hesse, Mary B. 1970. Forces and Fields: The Concept of Action at a Distance in the History of

-Horowitz, Donald. 1985. Ethnic Groups in Conflict. Berkeley, G.A.: University of

Human Capital, The American Economic Review, Vol. 56, No. 1/2, Mar.

Its Impact on Turkey and the Middle East, ed. Robert Olson. Lexington, K.Y.: The

-Jackline, Wahba. (2015). Who beneits from return migration to developing

Jennissen, R. (2007,Number.123)

-Joshua Fishman, 'Ethnicity as Being, Doing, Knowing', in Hutchinson and Smith, p. 67

-Joshua Fishman, 'Ethnicity as Being, Doing, Knowing', in Hutchinson and Smith, p. 67

-Khayati, Khalid. 2008a. "From Victim Diaspora to Transborder Citizenship? Diaspora Formation and Transnational Relations among Kurds in France in Sweden." PhD Thesis, Linköping Studies in Arts and Science, No. 435, Linköping University.

-Khayati, Khalid. 2008a. "From Victim Diaspora to Transborder Citizenship? Diaspora Formation and Transnational Relations among Kurds in France in Sweden." PhD Thesis, Linköping Studies in Arts and Science, No. 435, Linköping University.

-Kthleen,N & Sonia Plaza(2013),what we know diaspora & economic development. Policy rief journal. Migration policy institute

-M.demetriou, Towards post nationalism? Diasporic Identities & the political process, university of kent , 1998

-M.demetriou, Towards post nationalism? Diasporic Identities & the political process, university of kent , 1998

Movement in Turkey since the 1980s." In The Kurdish Nationalist Movement in 1990s:

Nationalism. Cambridge: Cambridge University Press.

-Nelly Bekus, Struggle Over Identity: The official and the Alternative Belarusianness (Central European University Press, 2010), 19 Psychological Field. New York: John Wiley and Sons

--Rummel, Rudolph J. 1975. Understanding Conflict and War. Volume I. The Dynamic

-Shain, Y. & A. Barth (2003), 'Diasporas and international relations theory', International

-Shain, Y. & A. Barth (2003), 'Diasporas and international relations theory', International

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]

-Sheffer, G. (1986) 'A New Field of Study: Modern Diasporas in International Politics'. In G.

Sheffer, G. (1995), 'The emergence of new ethno-national diasporas', Migration 28: 5- 28.

Sheffer, G. (2003), Diaspora Politics: At Home Abroad. Cambridge: Cambridge University

Sheffer, G. (ed.) (1986), Modern Diasporas in International Politics. London: Croom Helm.

-Swartz, D. (1997). Culture and power: The sociology of Pierre Bourdieu. Chicago: University of Chicago Press. through local comparison', Diaspora 9 (2): 203-234.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۱

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۹)، «سازه های متعارض دیاسپورا در کشورهای مبداء و مقصد» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۰، ش۴، زمستان ۹۹، صص ۲۷-۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.4.11.8]